پرتره

رونمایی از پوستر درخت گردو و تعارض

پوستر فیلم‌های سینمایی درخت گردو و تعارض در آستانه حضور در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شد.

به گزارش جام‌جم، اولین پوستر فیلم سینمایی درخت گردو به کارگردانی محمد حسین مهدویان و طراحی محمدحسین هوشمندی در دسترس مخاطبان قرار گرفت.

این فیلم به کارگردانی محمدحسین مهدویان و تهیه‌کنندگی سیدمصطفی احمدی مضمونی تاریخی - اجتماعی دارد و در بخش مسابقه سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر نمایش داده می‌شود.

پیمان معادی، مینا ساداتی، مینو شریفی و مهران مدیری بازیگران درخت گردو هستند.

همچنین پوستر فیلم سینمایی تعارض به کارگردانی محمدرضا لطفی و تهیه‌کنندگی سیدامیر سیدزاده با طراحی علیرضا قدیمی در آستانه حضور در بخش مسابقه سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شد.

تعارض که پیش از این با نام ریست در رسانه‌ها شناخته شده بود، یکی از آثار متفاوت این دوره از جشنواره به لحاظ فرم و شکل بصری آن است که برای اولین بار در ایران از زاویه دوربین‌های مدار بسته به روایت پرداخته شده و این می‌تواند چالش‌هایی را برای مخاطبان به وجود آورد.

تعارض به عنوان تنها فیلم سیاه و سفید جشنواره، یک سایکودرام است که لطفی فیلمنامه آن را به نگارش درآورده و تهیه‌کنندگی آن را سیدامیر سیدزاده به عهده دارد و اولین اکران آن در بخش مسابقه فیلم‌های اول سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر اکران خواهد شد.

رضا بهبودی، سودابه بیضایی، محمد صدیقی‌مهر، حامد رحیمی‌نصر، پریسا محمدی و رقیه افشین‌پور بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

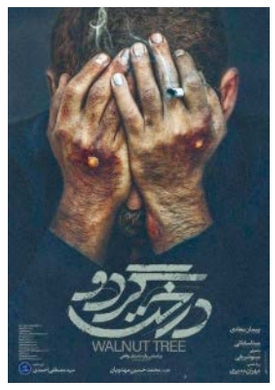

در خلاصه داستان این فیلم آمده: «احساس می کنم دیوونه شدم... یه جورایی به تمام دوربین های مداربسته که دارن آدم رو کنترل می‌کنن حساسیت پیدا کردم... اونقدر توی این ماجرا غرق شدم که احساس می کنم پشت همه این دوربینا یه نفره... یه نفر که چهار چشمی داره منو نگاه می کنه!»

عوامل تعارض که محصول مشترک ایران و جمهوری چک است، عبارتند از نویسنده و کارگردان: محمدرضا لطفی، تهیه‌کننده: سیدامیر سیدزاده، مدیر فیلمبرداری: مجید گرجیان، طراح صحنه و لباس: افسانه صرفه‌جو، طراح گریم: پدرام زرگر، صدابردار: علی گراکویی، تدوین: بابک قائم، مدیر تولید: محمد سیدزاده.

برنامه شب سینما در شبکه ۴ میزبان وحید جلیلی و محمد قوچانی با موضوع سینمای ایران بود

جام جم از گفت‌وگوی وحید جلیلی و محمد قوچانی درباره سینمای ایران گزارش می‌دهد

ایدئولوژیک یا استراتژیک؟!

گروه فرهنگ و هنر

برنامه پنجشنبه‌شب «شب سینما» در شبکه چهار سیما هفته گذشته میزبان یکی از جذاب‌ترین و داغ‌ترین برنامه‌های سینمایی بود. وحید جلیلی مدیر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی از یک سو و محمد قوچانی روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی و سردبیر روزنامه سازندگی از سوی دیگر روبه‌روی هم نشستند تا به تشریح دیدگاه‌های فرهنگی و سینمایی خود بپردازند. نشستی که هرچند تا پیش از پخش و روی آنتن رفتن، نوید یک مناظره داغ را بین طرفین می‌داد ولی با این حال با پخش برنامه، مشخص شد دو طرف در بعضی از موارد دیدگاه‌های مشترکی دارند هرچند در نگاه به آینده و راهکارهای پیشنهادی، تفاوت‌هایی با هم دارند. فارغ از فحوای گفت‌وگو اما یک مساله دیگر هم در این میان شایسته توجه بود. این که یکی از شبکه‌های تخصصی و نخبگانی رسانه ملی میزبان این گفت‌وگو بود و بستر گفتگو و دیالوگ را درباره اختلاف نظری طرفین درباره موضوع فراهم آورده بود.

وحید جلیلی

من تعبیر دیگری دارم برای آنچه آقای قوچانی از آن به عنوان گذار از سینمای ایدئولوژیک به سینمای استراتژیک تعبیر می‌کند. همین امسال ببینید در اسکار چه فیلم‌هایی حضور دارند. الیور استون جلسه‌ای با بازیگران ایرانی داشت. می‌گفت چرا از سینما برای روایت انقلاب‌تان استفاده نمی‌کنید؟! یک نفر در جمع داد زد که ما برای شنیدن حرف هنری آمده‌ایم؛ از سیاست حرف نزن! این قاب به اندازه کافی برای نشان دادن وضعیت امروز سینمای ایران حرف دارد. غرب‌زده‌ها و روشنفکرنماها چه وضعیتی بر سینمای ما آورده‌اند که الیور استون این را می‌گوید؟ امروز اگر حرفی بزنی می‌گویند تو چیزی از سینمای انقلاب نمی‌فهمی. او از یک طرف، توان سینمایی ایران برایش جالب است و از طرفی شگفت‌زده است که این سینما چقدر انقلاب را سانسور کرده است.

ممکن است من در سلیقه فیلمبرداری یا کارگردانی از سلیقه فلان فیلم آقای حاتمی‌کیا یا از فلان فیلم سلحشور خوشم بیاید، اما معتقدم باید منصفانه نقد کرد اما سلحشور کسی است که فیلم‌هایش را در کنیا در کنار خیابان می فروشند. این امکان در اختیار دیگران هم بود چرا این کار را نکردند؟! همین که سلحشور سراغ این قصه رفته خودش نکته مثبتی است. نمونه‌های متعددی داریم از کسانی که ادعای سینمای دینی داشته‌اند. یک مقداری بعد از ۴۱ سال باید به داشته‌هایمان دقیق‌تر نگاه کنیم و از جمع‌بندی ژورنالیستی عبور کنیم و قدر چیزی که به وجود آمده است را بدانیم. اگر قدر ندانیم گنجشک را به جای قناری قالب می کنند. با یک سری ابزار، معیارهایی را به ذهن ما قالب می‌کنند که در فیلم فروشنده که یک فیلم متوسط است اسکار می گیرد. یک آدمی مثل حاتمی‌کیا را هم داریم که اصلا دنیا او را نمی شناسد.

از ۱۲ بهمن ۵۷ شروع می‌کنم. همه عالم در آن روز منتظر بود ببیند این سید عبا به دوش که هیچ تشابهی با رهبران دیگر انقلاب‌های جهان نداشت چه می‌خواهد بگوید. امام بعد از ۱۳ سال از تبعید برگشته بود و سخنرانی ۲۶ دقیقه‌ای در بهشت زهرا داشت. آنجا امام(ره) درباره گذشته ایران صحبت می‌کند و سرفصلی هم در مورد آینده. یکی از نکاتش این است که ما سینما را جدی خواهیم گرفت. شاید دورترین چیزی که در چنین شرایطی به ذهنمان می رسید این بود که امام(ره) در آن وضعیت چنین مساله‌ای را عنوان کند. امام به عنوان یک مرجع تقلید، یک عارف و یک فیلسوف از سینما صحبت کند و بگوید ما با سینما مخالف نیستیم، با مرکز فحشا و فساد مخالف هستیم. سینما ابزار تمدن است و ما آن را به کار خواهیم گرفت. او از همان روز اولی که پایش را به ایران می گذارد می گوید ما برای سینما برنامه داریم.

مهم‌ترین نقد شهید آوینی در اوایل دهه ۷۰ به سیاست‌های سینمایی وزارت ارشاد آقای خاتمی این بود که سینما، رسانه‌ای است که رو به مخاطب عام دارد و شما دارید به این بهانه که نمی‌خواهیم سینمای قبل از انقلاب را تکرار کنیم و ضدآمریکایی هستیم، مثبت‌های سینمای هالیوود را هم حذف می‌کنید. آن زمان آقایان می گفتند سینمای ما باید در عرفان و فلسفه شبیه سینمای اروپای شرقی باشد. جالب این‌که آوینی که خودش اهل نمازشب و عارف بود، عَلَم مخالفت را با سینمای فلسفی و عرفانی برداشته بود. حرف شهید آوینی این بود که سینما باید با مخاطب عام ارتباط برقرار کند و دوستان ادعا می کردند ما سینمای ایران را جهانی کرده‌ایم. مثلا فیلم‌های آقای کیارستمی در سینماهای پاریس به نمایش گذاشته می‌شد. دوستان دولتی به قول خودشان می گفتند چقدر خوب است با این‌که ایران در دنیا مهجور و مظلوم است ما سینمای ایران را به دنیا شناساندیم. اما شهید آوینی می گفت شما سینمای ایران را جهانی نکردید. جشنواره‌ای کردید.

محمد قوچانی

سینما انقلاب را سانسور کرده است یا مدعیان انقلاب سینما را سانسور کرده‌اند؟ همین امسال کلی رویداد در این کشور اتفاق افتاده که دستمایه داستان و سینما و فیلم ساختن است. کدام یک از اینها در سیاستگذاری حاکمیتی ما قرار دارد؟! ساخت فیلمی که یک اصلاح‌طلب یا اصولگرا را نشان بدهد مد نظرم نیست. یا ماجرای سقوط هواپیما که مثلا باید از آن فاصله بگیریم.

منظورم از سینمای استراتژیک این است. فیلمی ساخته شده که اتفاقا دوستان شما هم آن را ساخته‌اند. «دیدن این فیلم جرم است» را می‌گویم. این فیلم گیر می‌کند و فکر می‌کنم حزب‌اللهی‌تر از اینها وجود ندارد. بنابراین چطور می‌شود فیلم در سینمای استراتژیک ساخت؟!

اصغرفرهادی و خیلی‌های دیگر هم هستند که محصول بعد از انقلاب هستند. چرا یکسری از سینمایی‌ها را انقلابی می‌دانید و یکسری دیگر را نمی دانید؟! شما کسی را مثل اصغر فرهادی دارید که از همین رادیو و تلویزیون شروع می‌کند. حتی آیتم جدایی نادر از سیمین هست که اگر یکبار دیگر تلویزیون پخش کند کلا ایده اش یک بخش دوقسمتی است. این چه هنری است که امام خمینی (ره) می آید گاو را مال انقلاب می کند و وقتی می خواهد ارجاع بدهد این را می گوید.

سینمای مطلوب من هم حاتمی کیاست اما سوال این است که چرا ما خودمان را محدود به چند اسم می‌کنیم. نمی‌خواهم درباره دیگران بی انصافی کنم. من خودم هر بار یوسف پیامبر پخش می‌شود این سریال را می‌بینم اما در عین حال معتقدم نقدهایی به این سریال وارد است.

با وجود کارگردان‌هایی مثل داریوش مهرجویی و مسعود کیمیایی که قبل از انقلاب کار می‌کردند و کم و بیش کارهای خوبی هم ساخته بودند، اما سینما زاییده انقلاب است؛ چیزی شبیه انتخابات! انتخابات پدیده‌ای است که با انقلاب گره خورده است.

مثل مشارکت زنان که اگر انقلاب نبود این سطح مشارکت زنان را در جامعه مذهبی متدین نداشتیم. اینها را یک مرجع تقلید وارد ایران کرد. این مساله برای سینما و برای تلویزیون هم بوده. فارغ از بحث‌های سیاسی اگر به حوزه اجتماعی نگاه کنیم، نقش امام(ره) و نقش انقلاب را نمی‌توان در جا انداختن سینما برای نسل جامعه مذهبی ایران در سال ۵۷ نادیده گرفت. رسانه مذهبیون ما در آن زمان روضه‌خوانی، تعزیه و منبر بوده است. کمتر بچه مسلمانی بود در آن زمان که سینما را به عنوان یک تفریح سالم قلمداد کند.

اگر نگاه کنید آقای جلیلی که خیلی از من حزب‌اللهی‌تر است خیلی مباحث ایدئولوژیک حوزه فرهنگ و سینمای اوایل دهه ۶۰ را قبول ندارد. مثلا آقای مخملباف! البته مخملباف آن روز، مخملباف امروز نبود. او داعیه‌دار هنر اسلامی تلقی می‌شد. مقاله‌ای از او می‌خواندم درباره ریش و زیبایی‌شناسی ریش در سینمای ایران! فضای عمومی این بوده. در چنین فضایی وزارت ارشاد به وجود می‌آید و افرادی می‌آیند که می‌خواهند سینما را راه بیندازند. راه‌اندازی برای این ایدئولوژی نیازمند هدایتگری در این زمینه بود. من از هیچ کنترل دولتی دفاع نمی‌کنم، سینمای تارکوفسکی را هم نه دوست دارم و نه علاقه دارم و به نظر من در آن مقطع که شهید آوینی آن حرف را زد یک حرف تاریخی بود. البته باید در ادامه بحث ببینیم چقدر به این حرف وفادار هستیم. ما باید از یک سینمای ایدئولوژیک به یک سینمای استراتژیک گذر کنیم. تلاش‌هایی در این راه صورت گرفته است، اما هنوز گذر نکرده‌ایم.

پشت صحنه

زمان ما و زمان شما

فی‌الحال که سطور این ستون در حال نگارش است، عقربه‌های نزدیک‌ترین ساعت دیواری تحریریه روی عدد ۱۶ و ۳۵ دقیقه روز جمعه در حال مسابقه‌اند بلکه از هم سبقت بگیرند و زمان را برسانند به الان که شما در حال خواندن همین سطور هستید!

حالا فرض بگیریم که این سه عقربه سمج و خستگی‌ناپذیر که کاری جز دویدن و استرس دادن به ابنای بشر ندارند، روی همان ۱۶ و ۳۵ دقیقه دیروز ثابت مانده‌اند و طبعا هم زمان را برای مایی که الان در حال نگارش سطور این ستون هستیم، ثابت نگاه داشته‌اند و شما الان در زمانِ ما هستید و در بعدازظهر روز جمعه نشسته‌اید و دارید به حرف‌های ما گوش فرا می‌دهید.

پس اجمالا زمان، نه شنبه ۵ بهمن بلکه جمعه ۴ بهمن است.

صابرالدوله محمدی که هر روز پشت خودروی شخصی‌اش می‌نشیند در حال گفت‌وگوی تلفنی با جناب منوچهر صهبایی هستند و اتفاقاتی که پنجشنبه‌شب در تالار وحدت افتاد. اجمالا در جریان هستید که به دلیل حاشیه‌های ایجاد شده در اجرای دو شب قبل ارکستر سمفونیک تهران هستید که قرار بود با رهبری شهرداد روحانی اجرا شود و در نهایت با رهبری منوچهر صهبایی روی صحنه تالار وحدت رفت.

صهبایی هم در ابتدای ارکستر حرف‌هایی بر زبان راند که حاشیه‌ساز شد و در نهایت هم قهر و قهرکشی! گفت‌وگوی تلفنی صابر محمدی با صهبایی در حال حاضر دقیقا ناظر به همین موضوع است.

حالا این‌که چه اتفاقی افتاده و چه حرف‌هایی بین طرفین رد و بدل شده را بگذارید به وقتش و گزارش محمدی را بخوانید که رفته توی صفحه ۱۰. اجمالا هم بدانید که قضیه احتمالا حالا حالاها حاشیه خواهد داشت!

گزارش صفحه سینما هم اجمالا افتاد برای فردا به دلیل جای بیشتری که محمدی لازم داشت.

البته ناگفته نماند که گزارش سینمایی توسط ساناز قنبری نوشته شده و خودش هم امروز (یعنی جمعه ۴ بهمن) به تحریریه آمده بود ولی خب چون شیفت کاری رستگار هم محسوب می‌شود، قنبری به تنظیم گزارشش پرداخت و رستگار هم مشغول پیگیری بحثی است که صدایش در ایام جشنواره بلند خواهد شد و احتمالا هم صدای بلندی خواهد داشت. حالا اجمالا اجازه بدهید نگوییم خبرنگار طناز گروه فرهنگ و هنر جام‌جم دارد چه آشی می‌پزد. منتظر بمانید تا روزهای جشنواره!

حضرت استاد کیکاووس خان زیاری هم که احتمالا تا بعد از جشنواره، نظم انتشار صفحات جذاب سینمای جهانش کمی جابه‌جا خواهد بود امروز در صفحه ۱۲ خودش پرقدرت و پرفروغ ظاهر شده. جناب زیاری در گزارش امروز خودشان از دور دنیا با یک گزارش از اکران قسمت سوم مجموعه «پسرهای بد» خودش را به فرهنگ و هنر جام‌جم رسانده.